irannewspaper.ir

• چهارشنبه ۳ اسفند ۱۴۰۱ • سال بیست‌ونهم • شماره ۸۱۳۴
• اذان ظهر ۱۲/۱۸ • اذان مغرب ۱۸/۱۱ • نیمه شب شرعی ۲۳/۳۶ • اذان صبح فردا ۵/۱۹ • طلوع آفتاب فردا ۶/۴۲

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
• **سردبیر:** کمیل نقی‌پور
• **معاون فنی:** محمدملاعلی‌اکبری
• **دبیران:** مصطفی عیوضی(سیاسی) • مهدی مهرپور(اقتصادی) • مصطفی وثوق‌کیا(فرهنگی) آزاده سهرابی(اجتماعی) • بنفشه غلامی(جهان)

علی کاکا دزفولی (سیاست) • فرناز قلعه‌دار(حوادث) اسماعیل علوی (پایداری) • لیدا فخری(اندیشه) محمدرضا عزیزی(گزارش) • زهرا کشوری (زیست‌بوم) سعید زاهدیان(ورزشی) مهدی کلهرنژاد(اجرایی) حجت حکیمی(صفحه‌آرایی) • محسن جانی‌پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی(عکس)

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
• **سازمان آگهی های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

هرآنکس در خدا فانی شود و حقیقت را فراچنگ آورد؛ او خود همه حق خواهد شد.

تذکرة‌الاولیا/ ذکر بایزید بسطامی

سخن‌روز

امام کاظم علیه السلام:
بر سر گوری نوشته بود: چیزی (دنیا) که پایانش این است، سزاوار است که به ابتدای آن، دل بسته نشود. / معانی الأخبار: ص ۳۴۳

نگاره

مدعیان صلح

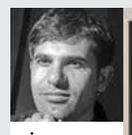

حمید صوفی
طراح و کارتونیست

فضای مجازی

نگاهی به اخبار حوزه‌های مجازی داشته باشیم و آنچه بیشتر توسط مخاطبان حوزه‌های خبر در بخش فرهنگ و ادب و هنر بازدید داشته است.

یاد

«آنها می‌گفتند با اینکه افسر شدی؛ اما شعرت بوی نظامی‌گری نمی‌دهد و اگر کسی شعرت را بخواند نمی‌تواند حدس بزند شغلت چیست.» اینها بخشی از صحبت‌های اسماعیل رها است، شاعری که در دانشکده افسری تحصیل کرده و ۱۰ سال از شعرگفتن و حتی شعر خواندن منع شده بود. اسماعیل رها، دوم اسفند ۱۳۱۰ در تهران متولد می‌شود و اگر در قد حیات بود تولد ۹۱ سالگی‌اش را جشن می‌گرفت اما در ۳۱ مهرماه ۱۳۹۶ در ۸۶ سالگی از دنیا رفت. اولین مجموعه شعرش با عنوان «خوشه تلخ» در سال ۳۴ منتشر شده بود. خودش می‌گفت: «این مجموعه را دوستانم بدون اطلاع خودم منتشر کردند و از اینکه اولین مجموعه شعرم، یعنی «خوشه تلخ» بدون اطلاع خودم چاپ شد، ناراضی نیستم؛ چون ممکن بود بعضی شعرها را حذف کنم؛ هرچند که معتقدم کمتر شاعری با مجموعه شعر اولش مشهور شده است و گاهی بعد از مدتها که می‌گذرد، خودش همان مجموعه را تقریباً نفی می‌کند؛ حتی شاعر بزرگی مثل شاملو اولین مجموعه‌اش را قبول نداشت و هیچ‌گاه هم در کارهایش از آن حرف نزد.» «خوشه خشم»، «لب تلخی و فنجان»، «کوتاه مانا بلند»، «بیراه خورشید»، «طلایه‌ای بر پاییز»، «طلایه و باران»، «بیراهه خورشید (شعر بلند)» و «جرقه‌ای در باد (شعر کوتاه)» از رها منتشر شده است.

صدا

علیرضا جاویدنیا که صدا و تصویرش برای خیلی از ایرانی‌ها آشناست و خاطره‌های فراوان از صدای او در برنامه‌های مختلف رادیویی در ذهن مردم مانده با «مهر» گفت‌وگویی کرده و درباره مستندهای رادیویی و اینکه چطور می‌توان این آثار را ارتقا داد به این نکته اشاره کرده که «در مرحله اول باید دید مخاطب چقدر به آن مستند ایمان دارد، باید درک کرد که چقدر مسیر زنده و رئال است. یک تهیه کننده قصد تهیه یک مستند از زندگی من را داشت که پس از انجام کار تهیه فیلم، کلام و تصویر و... کل مستند یک ساعت شد. باید هدف‌ها را مشخص کرد و بعد دید زندگی ۵۰ ساله من نوعی را چطور می‌توان در یک ساعت جمع کرد. مستند رادیویی با هر موضوعی که باشد باید پشت آن پژوهش باشد، مثلاً زمانی که یک مستند تاریخی ساخته می‌شود، باید مستندساز بداند که تاریخ‌ساز است و اثر او در میان مردم ماندگار خواهد شد. جاویدنیا گفته «زمانی که برنامه‌ای تهیه می‌شود باید با توجه به محتوا و مضمون آن گوینده و مجری انتخاب کرد، ممکن است آن گوینده (که خیلی هم حرفه‌ای است) قابلیت و آن ویژگی هایی را که اجرای آن برنامه می‌طلبد، نداشته باشد.»

سینما

جلیل شعبانی که فیلم «سرهنگ ثریا» را به کارگردانی لیلی عاج در جشنواره فجر امسال رونمایی کرد، در گفت‌وگویی با ایسنا درباره زمان اکران این فیلم و ارزیابی‌اش از شرایط کلی اکران گفته «فعلاً تصمیم خاصی برای اکران «سرهنگ ثریا» گرفته نشده است و بررسی‌ها برای زمان مناسب در سازمان اوج انجام می‌شود. البته به نظرم امسال با توجه به مقارن شدن عید نوروز با ماه مبارک رمضان، استقبال از اکران نوروز کمتر شده است. بجز این مسأله، در حال حاضر چند فیلم کمدی در حال اکران هستند که سینمادارها نمایش آنها را در عید ۱۴۰۲ هم ادامه می‌دهند و این نگرانی برای تهیه‌کننده‌های دیگر وجود دارد که نمایش فیلمشان در این مقطع چه سرنوشتی پیدا می‌کند بخصوص فیلم‌های جشنواره که کمدی هم در میان آنها نبود و فیلم‌هایی که ساخته شده‌اند شاید با این فیلم‌های کمدی نتوانند رقابت کنند به همین دلیل فکر می‌کنم این هم عاملی برای کم شدن استقبال از اکران نوروزی است.» او در پایان در پاسخ به اینکه آیا «سرهنگ ثریا» برای اکران عمومی دچار تغییراتی می‌شود؟ گفت: در حال جمع‌آوری نظر تماشاچیان فیلم در جشنواره هستیم ولی تصورم این نیست که تغییرات خاصی داشته باشیم با این حال اگر جمع‌بندی بازخوردها ما را این به نتیجه برساند که تغییراتی لازم است، آن را اعمال خواهیم کرد.

کتاب

رمان «درس پیش از مُردن» اثر رنست. جی. گینز با ترجمه سیدرضا ابراهیمی توسط نشر نقش جهان منتشر و راهی بازار نشر شد. رنست جیمز گینز از نویسنده‌های آفریقایی‌تبار امریکایی (۲۰۱۹-۱۹۳۳) است که اولین رمانش را ای. ال. داکترو در دهه شصت میلادی منتشر کرد. آثار او در کلاس‌های دانشگاهی تدریس می‌شود و به زبان‌های بسیاری ترجمه شده؛ همچنین چهار اثر گینز به فیلم‌های تلویزیونی تبدیل شده، از جمله «درس پیش از مُردن» که شاخص‌ترین اثر او به شمار می‌رود. جالب است بدانید که این رمان علاوه بر راه‌یافتن به مرحله نهایی جایزه پولیتزر ۱۹۹۳، انبوهی از جوایز را درو کرد. «درس پیش از مُردن» یکی از جهان‌شمول‌ترین پرسش‌هایی را طرح می‌کند که تنها ادبیات می‌تواند بیان کند: هنگامی که از زمان مرگ خودآگاهیم، چگونه باید زندگی کنیم؟ این رمان روایتی از داستان مرد جوان بی‌سوادی به نام جفرسون است که به قتل یک مغازه‌دار سفیدپوست متهم شده است.

نقل قول

محمد حاتمی
بازیگرو کارگردان

مصلح اجتماعی نیستیم، روشنگری می‌کنیم

به نظر من پرداختن به موضوعات اجتماعی در عرصه هنر ضرورتی است که بدیهی به نظر می‌رسد و نمی‌توان از تأثیری که آثار هنری می‌توانند در پیشگیری از فجایع اجتماعی داشته باشد به سادگی گذشت. به همین دلیل هم من و همکارانم این روزها نمایش «اهل هوا» را روی صحنه می‌بریم که نمایشی است با چنین مضمونی. معتقدم هنرمند مصلح اجتماعی نیست اما از آنجا که کار هنر با اندیشه سروکار دارد، امیدوارم بتوانیم با اجرای نمایش روشنگری کنیم. سال‌هاست که بسیاری از همکاران ما درباره موضوعات اجتماعی کار کرده‌اند و آثار هنری گوناگونی در این زمینه ساخته شده تا بتوانیم به یک روشنگری برسیم و آرزو داریم بتوانیم نگاه‌های نادرستی را که درباره بعضی مسائل اجتماعی وجود دارد و به فجایعی چون قتل منجر می‌شود، عوض کنیم./ **بخشی از صحبت‌های این بازیگر و کارگردان تئاتر در گفت‌وگو با ایسنا**

یادداشت

علی پسندیده‌کار
پژوهشگر

از همگامی تا همدلی

رواداری، تعریف گونه‌ای از صبوری مردم در عرصه فعالیت‌هایشان در سطوح فردی و اجتماعی است و این رواداری را بی‌تردید باید مفهومی کلیدی در مسیر رستگاری و رسیدن به موفقیت انسان تلقی کرد که می‌تواند زمینه‌ساز و مولود فضایی باشد که در آن، در چرخه رواداری، زمینه‌ساز بروز و بسط یافتن رفتار درست و کنش‌های صحیح در جهت رسیدن به اهداف درست باشد. پس از این اتفاق است که همفکری‌های ما ناشی از پذیرش متقابل و احترام متقابل صورت می‌پذیرد وهمنشینی و بعد همفکری به وجود می‌آید. در این مراحل باید صبوری کرد تا بتوانیم بعد از همگامی به همدلی برسیم. محافظه‌کاری در واقع منوط به منافع شخص در جهت حفظ و صیانت از بافت موقعیتی است که فرد در آن حضور دارد ولی در رواداری بیشتر از آنچه فرد متوجه خود باشد، متوجه دیگری است و تلاش می‌کند با ایجاد یک وضعیت صبورانه در یک بافت رادارانه نسبت به دیگران وارد عمل شود. مرجع رواداری به دیگران متمایل است و مرجع محافظه‌کاری به فرد تمایل دارد.

تفاوت اصلی رواداری در برابر محافظه‌کاری در این است که آنچه بر خود می‌پسندیم بر دیگران نیز بپسندیم اما در محافظه‌کاری اینچنین نیست و فقط باید به منافع خود فکر کنیم، منافع و احتیاجات دیگران را نادیده بگیریم و حتی روی آنها سرپوش بگذاریم. الگوهای زیادی در دوره‌های مختلف در جوامع مختلف داشته‌ایم که زندگینامه آنها می‌تواند راه و رسم رواداری را به خوبی به ما نشان بدهد. رهبرانی که جان و عمر خود را صرف و گاهی فدای منافع ملی کرده‌اند و بدون رعایت شرایط فردی خود و نزدیکان، به جناح دشمن حمله برده‌اند. امام خمینی(ره) بارزترین ستاره در آسمان رواداری است که حتی در مقابل شهادت فرزند ارشد خود از مقاومت دست نکشیدند. در درجات پایین‌تر، نلسون ماندلا، گاندی و هوشی‌مین نیز می‌توانند در ردیف رهبران روادار قرار بگیرند. به هر ترتیب رواداری یک رفتار است و در حوزه رفتار به‌عنوان یک سبک اخلاقی می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد فضای مناسب و نهادینه شدن آن رفتار و سپس تبدیل آن به یک کنش در عرصه اجتماع تبدیل شود. اگر بخواهیم زمینه‌های این معنا را در جامعه ایجاد کنیم، بی‌تردید باید در نظام تعلیم و تربیت در حوزه فعالیت‌های رسانه‌ای در ساحت‌های گوناگون آموزش عالی و در مدرن‌سازی و الگوپروری در جهت ایجاد فضای مناسب جامعه ملی برنامه‌ریزی‌های دقیق عملیاتی ایجاد شود وگرنه رواداری یک امر دستوری و بخشنامه‌ای است که نمی‌تواند ریشه عمیقی در جامعه داشته باشد و اگرچه حمایت قوانین و مقررات موجود از امر رواداری در جامعه به گونه‌ای که این رفتار را در پرتو این معنا نهادینه کرد می‌توان گفت که به هر ترتیب بهتر و شایسته‌تر در جامعه حاصل خواهد شد. عده‌ای به اشتباه خیال می‌کنند که در عصر تکنولوژی، صفات انسانی و مخصوصاً رواداری باید به مسلخ تمدن کشیده شود. درحالی که در دنیای امروز، رواداری تنها داروی درمانگر دردهای تکنولوژی‌زدگی است؛ پس باید کوشش کنیم و دست در دست یکدیگر رواداری را گسترش دهیم و اجازه ندهیم عنصر با ارزشی چون روامداری از میان برود. نه تنها کشور ما بلکه در سرتاسر جهان هرچه تکنولوژی پیشرفت کند، رواداری مهم‌تر و نقشی پررنگ‌تر خواهد داشت.

کلمه

فریباریحانی
روزنامه‌نگار

مصایب «هنردقت» یا همان «مستندسازی»

بی‌شک یکی از ابزارهای مهم آموزش همگانی و فرهنگ‌سازی در راستای ایجاد بستری مناسب در هر حوزه‌ای رسانه است. در دهه‌های اخیر که با رشد رسانه‌ها به شکل‌های گوناگون روبه‌رو بوده‌ایم، بارها در جوامع مختلف میزان تأثیرگذاری رسانه‌های تصویری خصوصاً تلویزیون مورد بررسی قرار گرفته است. با یک نگاه کلی به رسانه‌های کشورهای پیشرفته متوجه اهمیت برنامه‌های مستند و مستندسازی می‌شویم. زمان طلایی با به قول معروف همان گلدن تایم رسانه‌های معتبر به برنامه‌های مستند اختصاص داده شده است. به سبب بودجه‌هایی که برای این بخش از کار فرهنگی در نظر گرفته‌اند که برای یک مستندساز ایرانی بسان یک رؤیاست، به‌راحتی می‌توانند مخاطب جذب کنند. این همان نقطه آغاز ارتباط با جامعه است. در درست‌ترین زمان تقاضا، عرضه فرهنگی صورت می‌گیرد. مثال معروفی در این حوزه وجود دارد که زمانی یکی از کشورهای غربی برای تغییر فرهنگ ترافیکی خود، با ساخت و پخش مستندهایی من باب اهمیت و آموزش این تغییر، بعد از مدت کوتاهی به نتیجه دلخواه خود رسید و با کمترین مقاومت از سوی شهروندان مواجه شد.

مستندسازی در ایران با وجود پتانسیل‌های بالایی که دارد چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. مستندساز با شناخت دقیق مردم و با ورود به مسائل آنها و روایت آن می‌تواند برای مخاطب ایجاد تفکر کرده و راه‌حل ارائه دهد. در بیشتر مواقع بودجه‌ای که به یک مستند تعلق می‌گیرد حتی کفاف هزینه ساخت آن را نمی‌دهد. در بسیاری از موارد مستندساز برای اتمام کار، خود هزینه آن را متقبل می‌شود. این مسأله مهم‌ترین بخش ساخت یک مستند که همان تحقیق و پژوهش است را چنان تحت تأثیر قرار می‌دهد که باعث صرف نظر مستندساز از آن می‌شود. تحقیق و پژوهشی که شاید تا یک سال زمان ببرد و در بودجه اصلاً به آن توجه نمی‌شود، سازنده را مجبور به حذف این بخش اساسی می‌کند. با این حال در سال، مستندهای زیادی تولید می‌شود. جشنواره سینما حقیقت به‌عنوان یک جشنواره تخصصی در این حوزه آن را به ارزیابی و قضاوت می‌گذارد. جشنواره فجر و دیگر جشنواره‌ها نیز بخشی با عنوان مستند دارند اما اهمیتی که به سینمای داستانی داده می‌شود سینمای مستند را به حاشیه می‌راند. تا قبل از سال ۹۸ در جشنواره حقیقت فیلم‌ها به‌صورت رایگان اکران می‌شد و از طرف مخاطب محدود و خاص خود مورد استقبال قرار می‌گرفت. پس از آن بلیت فروشی جشنواره و سال‌های کرونا همان مقدار توجه را به این بخش از هنر بسیار کم‌رنگ کرد. با شروع فعالیت شبکه مستند در سال ۸۸ امید آن می‌رفت که با تخصیص بودجه و پخش مستمر فیلم‌های مستند، این بخش مهم و اثرگذار راهی خانه مردم شده و راه بر مستندساز هموار شود.

در واقع ترکیب بودجه، تفکر و مدیای ملی رایگان در مبحث فیلم مستند می‌تواند به شکل یک معجزه برای آموزش و ایجاد تفکر در مخاطب عمل کند. فیلم‌هایی که هم مستندساز بتواند از آرمان‌هایش سخن بگوید و هم مسائل اجتماعی و فرهنگی را بیان کند. این اتفاق آن طور که باید و شاید رخ نداد. نه تنها بودجه‌ای که باید اختصاص داده نشد، آن مقدار هم که در نظر گرفته می‌شود همچنان کفاف به انتها رساندن یک فیلم را نمی‌دهد. از طرفی دیگر تضاد بین اولویت‌های موضوعی سازمان و نیاز و اتفاقات روز مردم، در ارتباط با مخاطب خلل ایجاد می‌کند.

پیشنهاد

فاطمه ترکاشوند
روزنامه‌نگار

همه شرورهای روسیه قدیم در سینمای جنگ سرد جدید

جنگ سرد میان امریکا و روسیه هیچ‌وقت تمام نمی‌شود. این حکم را لااقل از روی پرطرفدار شدن سریال «چیزهای عجیب» می‌توان با قاطعیت داد؛ سریالی که انتشار فصل اولش از سال ۲۰۱۶ آغاز شد و فصل چهارم آن هم به ژوئن ۲۰۲۲ رسید تا نشان دهد حتی اگر سه دهه از فروپاشی شوروی گذشته باشد و فکر کنیم جهان از قطب‌بندی میان دو بلوک غرب و شرق خارج شده، واقعیت سینما در ادامه تقسیم‌بندی سیاسی صحنه جهانی، تغییر چندانی نکرده است. جالب اینکه سریال دقیقاً همان قطب‌بندی سیاه و سفید میان امریکا و شوروی در سینمای پس از جنگ جهانی دوم را دنبال می‌کند؛ سینمایی که روسیه در آن شر مطلق و امریکا قهرمان نجات‌بخش دموکراسی و بشریت است. این دست روایت‌ها سراسر سه دهه جنگ سرد را پوشش دادند تا اینکه جنگ ویتنام توانست راویان امریکایی را قانع کند که امریکا هم می‌تواند گاهی سیاه و نماینده شرارت باشد اما هنوز افکارعمومی ایالات‌متحده دوست داشت، دشمن واقعی‌تری را بَدمن داستان خلقت بپندارد. شاید تنها موفقیت سینمای امریکا پس از جنگ سرد این بود که به امریکایی‌ها نشان داد هر چند شوروی (روسیه)، شرور ابدی است اما ما امریکایی‌ها هم می‌توانیم گاهی کثیف باشیم. اینچنین بود که سینمای هالیوود حتی به کمک سینمای مستقل و دگراندیش امریکا، تعریف از «خود» و هویت امریکایی را به عداوت ابدی با «دیگری»، موهومی به نام روسیه گره زد که هنوز هم می‌تواند برای صنعت فیلمسازی امریکا و بلوک غرب، سودآوری اقتصادی داشته باشد. نکته اینکه زمان درونی سریال در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی می‌گذرد اما دست‌کم ما مخاطبان می‌دانیم که داریم در سومین دهه قرن بیست‌ویکم زندگی می‌کنیم اما بازهم دوست داریم حتی شده چند کودک و نوجوان امریکایی را در تلاش برای شکست دادن چند احمقِ تمامیت‌خواه روسی ببینیم و بپذیریم که آدم‌بدها و آدم‌خوب‌های قصه می‌توانند با چنین فاصله فاحشی از هم متعلق به دو دولت متخاصم باشند؛ اما گذشته از نوستالژی‌های سینمای جنگ سرد با هیولاها و سرهنگ‌های توسعه‌طلب و دانشمندان دیوانه روسی، سازندگان سریال «چیزهای عجیب» بدون تردید، برآوردی هم از صحنه‌آرایی کنونی جهان داشته‌اند؛ برآوردی که اثرشان را از یک سریال ترسناک و معمایی برای سنین نوجوان و جوان، به محصولی قابل عرضه در مقام دیپلماسی فرهنگی و اثری قابل تأمل در حوزه سیاست بین‌الملل روز جهان ارتقا می‌دهد. تماشای این سریال از این جهت جذاب است که بسته‌ای از تمام شرورهای سینمای جنگ سرد را در خود جا داده و حتی پرده از بسیاری از آنها که فکرش را هم نمی کردیم، برداشته است؛ شرورهایی در قالب موجودات عجیب وغریب که با به هم ریختن چیزهای ساده‌ای مثل آب، هوا، خاک و ذهن از جاهایی نفوذ می‌کنند که حتی فکرش را هم نمی‌کنید و این اتفاق، آنها را ترسناک‌تر و غیرقابل پیش‌بینی‌تر می‌کند. سینما و مردم جهان، دوران جنگ سرد را طوری گذراندند که شاید کمتر کسی فکر می‌کرد منظور این فیلم‌ها مستقیماً می‌تواند متوجه شوروی باشد اما حتی اگر قصد سازندگان هم این نبود، مخاطب در بافت فرامتنی مسائل سیاسی-فرهنگی، چیزی غیر از این را در خودآگاه یا ناخودآگاه دریافت نمی‌کرد. آیا «چیزهای عجیب» را باید به این حساب گذاشت که جهان با جنگ سرد جدیدی روبه‌رو است؟

فرهنگستان

محمدحسن موحدی
کارشناس فرهنگی

داستان یک «سقوط»

اگر چه جمهوری اسلامی ایران سالیان درازی در ابعاد منطقه‌ای خود با عناصر تکفیری داعش در جنگ بود و شاهد پیروزی‌های عظیمی در جبهه‌های نبرد علیه داعش بودیم، اما در بعد تولید محتوای هنری و بخصوص فیلم‌های داستانی شاهد موفقیت‌های چشمگیری نبوده‌ایم. به‌طوری که مقادیر انگشت‌شماری از فیلم‌های سینمایی یا سریال‌های تلویزیونی به این موضوع ورود کرده‌اند. اما به تازگی سریال «سقوط» که به شبکه‌های نمایش خانگی رسیده است، به ابعاد این موضوع می‌پردازد.

سقوط اگر چه سریالی است که اشراف اطلاعاتی جمهوری اسلامی را بر سرزمین‌های تحت کنترل داعش نشان می‌دهد اما به نظر می‌رسد داستان خود را وامدار سریالی است که دو سال پیش در سوئد ساخته شده و خرده پیرنگی از آن سریال را با تغییر برخی جزئیات به نمایش گذاشته است. هر چند برخی بازی‌ها مانند بازی سرتیم نیروهای اطلاعاتی تقریباً خوب درآمده است، اما نقش اول داستان که فیلم را جلو می‌برد، در برخی صحنه‌ها کاملاً تصنعی بازی می‌کند.

اگر چه این سریال در قسمت‌های اولیه خود وحشتناکی فضای سرزمین‌های تحت کنترل داعش را در قاب تصویر به خوبی نمایش نداده بود اما در دو، سه قسمت اخیر خود تا حدودی ترس را به بیننده منتقل می‌کند. این بازی هیجان‌هاست که در درام معنی پیدا کرده و همین موضوع کار فیلمسازان را بخصوص در فضای ساخت فیلم‌هایی از این دست مشکل می‌کند.

رسانه که باید در خطوط جنگی و مستشاری جلوتر از فرماندهان جنگ حرکت کند، عقب‌تر از آنها به راه افتاده است و بعد از گذشت سه سال از پایان حکومت داعش، هنوز آثار نمایشی با ساحت رسانه‌ای از انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کند

«سقوط»، ریتمی کند دارد؛ ریتمی که مخاطب خود را خسته می‌کند. شاید پرداخت بسیار زیاد به جزئیات، «سقوط» را مبتلا به چنین معضلی می‌کند و این از یک تدوینگری که حالا روی صندلی کارگردانی اثر نشسته است بعید به نظر می‌رسد.

در ابعاد فیلمنامه‌ای نیز «سقوط» ابهام‌هایی دارد. مثلاً ما از انگیزه‌های شخصیت ایرانی داعشی شده اطلاعی نداریم. یعنی می‌توان بی‌پولی را یک انگیزه دانست اما انگیزه قابل قبولی از طرف مخاطب نیست. یعنی این موضوع که فرد وارد فضای جنگی فقط به خاطر پول می‌شود، در بطن داستان در نیامده است.

هر چند سریال سقوط از ضعف‌های مختلف فرمی رنج می‌برد و مضامین تا وقتی در فرم درستی قرار نگیرند، نمی‌توانند تأثیرگذاری حداکثری را داشته باشند، اما تلاش خوبی برای سازنده آن است. فیلمسازی که در اولین گام سریال‌سازی خود، به سراغ موضوعی جنجالی و حساسیت‌برانگیز رفته است.

متأسفانه ساحت رسانه‌ای نبرد با داعش - با آنکه در مناطق عملیاتی و غیرعملیاتی نبرد مستندهای زیادی ساخته شده - مغفول مانده است. یعنی رسانه که باید در خطوط جنگی و مستشاری جلوتر از فرماندهان جنگ حرکت کند، عقب‌تر از آنها به راه افتاده است و بعد از گذشت سه سال از پایان حکومت داعش، هنوز آثار نمایشی با ساحت رسانه‌ای ساخته نشده یا تعداد آن از انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کند. این موضوع باعث می‌شود که برای سازندگان «سقوط» و حمایت‌کنندگان آن کلاه از سر برداریم؛ زیرا کمتر کسی به سراغ چنین موضوعی می‌رود. در این امر نهادهای مسئولی که وظیفه حفظ و حراست فرهنگ را دارند، باید پاسخگو باشند.

عکس‌نوشت

ونیز که طی چند سال اخیر اغلب با مشکل سیل و بالاآمدن سطح آب روبه‌رو بوده حالا به دلیل هفته‌ها هوای خشک زمستانی و کاهش ۵۰ درصدی بارش‌ها با پدیده خشکسالی مواجه شده و بنابر اعلام دانشمندان و گروه‌های زیست‌محیطی، این پدیده کل ایتالیا را در معرض خطر قرار داده است. / **گاردین**